

پیام حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای
به همایش بین‌المللی یکصدمین سالگشت
باز تأسیس حوزه علمی قم

سراپا پیش حوزه

بسمہ برحق (الحمد)

حوزه پیشرو در سراسر

پیام حضرت آیت الله العظمی خامنه ای علیه السلام
به همایش بین المللی یکصدمین سالگشت
بازتأسیس حوزه ی علمیّه ی قم
اردیبهشت ۱۴۰۴

آ
میرزا
بلش
حوزه



فهرست:

۷	حوزه‌ی علمیّه‌ی قم؛ پدیده‌ای بی‌نظیر در میانه‌ی حوادثی سهمگین
۷	دولت‌های استعماری؛ منشأ مرارت گسترده در منطقه‌ی غرب آسیا
۸	حوزه‌ی علمیّه‌ی قم؛ نهالی مبارک در زمانه‌ای ناسازگار
۸	هنر تشکیل حوزه‌ی علمیّه‌ی قم توسط آیت‌الله حائری...
۱۰	ماندگاری و رشد حوزه‌ی علمیّه‌ی قم با پایداری آیت‌الله حائری
۱۰	برکات حوزه‌ی علمیّه‌ی قم از قلّه‌ی علمی تا ایجاد جمهوری اسلامی
۱۲	مسیر رسیدن به حوزه‌ای پیشرو و سرآمد
۱۲	عناصر تشکیل دهنده و کارکردهای عنوان «حوزه‌ی علمیّه»
۱۴	اول. مرکز علمی
۱۴	وظایف علم فقه در قبال مسائل امروز
۱۵	الزامات پاسخ‌دهی فقیه به نیازهای امروز...
۱۶	دوم. تربیت نیروی مهذب و کارآمد
۱۷	نیاز مبلّغ دین به تعلیم محتوا و شیوه‌های تبلیغ



- ۱۷ پرورش مجاهد فرهنگی در کار تبلیغ
- ۱۷ توجّه مبّلمان دین به تهذیب نفس
- ۱۸ سوّم. خطّ مقدّم جبهه‌ی تقابل با تهدیدهای دشمن در عرصه‌های گوناگون
- ۱۹ امیدها و هشدارهای امام (ره) در پیام به حوزه‌های علمیّه
- ۲۰ نگرانی امام (ره) از تحجّر و جدایی دین از سیاست
- ۲۱ چهارم. مرکز مشارکت در تولید و تبیین نظامات اجتماعی
- ۲۲ نیاز حوزه به آگاهی از یافته‌های امروز جهان و همکاری دانشگاه ...
- ۲۵ پنجم. نوآوری‌های تمدّنی در چارچوب پیام جهانی اسلام
- ۲۷ توجّه به دو عنصر زمان و مکان در اجتهاد و شناخت درست موضوع
- ۲۷ زنده بودن و بالندگی حوزه‌ی علمیّه‌ی قم در عرصه‌های مختلف
- ۲۸ توصیه‌هایی برای پیشرو و سرآمد بودن حوزه‌ی علمیّه‌ی قم

میان عنوان‌های داخل کتابچه (✓)، جزو پیام نبوده و توسط KHAMENEI.IR برای دسته‌بندی مطالب درج شده است.



بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين وافضل الصلاة والسلام على سيدنا محمد المصطفى
وآله الطاهرين سيما بقیة الله فی العالمین.

🔖 **حوزه‌ی علمیّه‌ی قم؛ پدیده‌ای بی نظیر در میانه‌ی حوادثی سهمگین**

برآمدنِ حوزه‌ی مبارک قم در طلیعه‌ی قرن چهاردهم هجری شمسی، پدیده‌ای بی نظیر بود که در میانه‌ی حوادثی بزرگ و سهمگین رخ داد؛ حوادثی که فضای منطقه‌ی غرب آسیا را تیره و تاریک و زندگی ملت‌های آن را دستخوش آشفتگی و تباهی کرده بود.

🔖 **دولت‌های استعماری؛ منشأ مرارت گسترده در منطقه‌ی غرب آسیا**

منشأ و علت این مرارت گسترده و دیرپا، دخالت‌های دول استعماری و فاتحان جنگ جهانی اول بود که با هدف تصرف و تسلط بر این جغرافیای حسّاس و سرشار از منابع زیرزمینی، از همه‌ی ابزارها استفاده کردند و با نیروی نظامی، با طرّاحی‌های سیاسی، با رشوه و استخدام خیانتکاران داخلی، با ابزارهای تبلیغاتی و فرهنگی، و با هر وسیله‌ی ممکن دیگر، توانستند هدف‌های خود را تحقق بخشند. در عراق، یک حکومت انگلیسی و سپس یک دولت پادشاهی دست‌نشانده بر سر کار آوردند؛ در منطقه‌ی شامات، از سویی انگلیس و از سویی فرانسه، تصرفات استعماری خود را با ایجاد نظام طائفی در بخشی و حکومت خاندان دست‌نشانده‌ی انگلیس در بخشی دیگر، و ایجاد اختناق و فشار بر مردم بخصوص مسلمانان و علمای دینی در سراسر آن گسترده‌اند؛ در ایران، یک قزاق بی‌رحم و طماع و بی شخصیت را بتدریج برکشیده و به صدارت و سپس پادشاهی رساندند؛ در فلسطین، کوچ تدریجی عوامل صهیونی و تسلیح آنها را آغاز و با حرکتی آرام، زمینه را برای ایجاد غده‌ی سرطانی در



قلب دنیای اسلام آماده کردند. هر جا - چه در عراق و چه در شام و فلسطین و چه در ایران - مقاومتی در برابر نقشه‌های گام به گام آنها وجود داشت، سرکوب کردند، و در برخی شهرها همچون نجف کار را به دستگیری دسته جمعی علما و حتی به تبعید اهانت آمیز مراجع بزرگی همچون میرزای نائینی و سید ابوالحسن اصفهانی و شیخ مهدی خالصی رساندند و برای دستگیری مردان مجاهد، تفحص خانه به خانه راه انداختند. ملت‌ها دهشتزده و سرگشته و افق‌ها تاریک و نومیدکننده شدند. در ایران، مجاهدان گیلان و تبریز و مشهد را به خاک و خون کشیدند و مباشران قراردادهای خائنانه در رأس امور قرار گرفتند.

❖ حوزه‌ی علمیّه‌ی قم؛ نهالی مبارک در زمانه‌ای ناسازگار

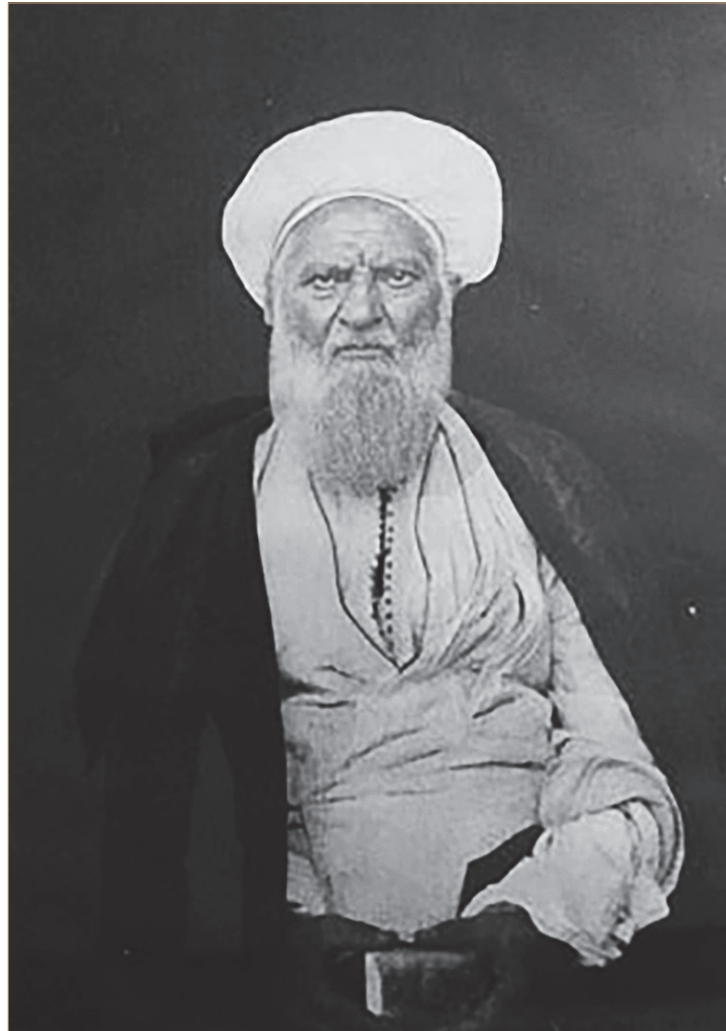
در میانه‌ی چنین حوادث تلخ و چنین شب بی فروغی بود که ستاره‌ی قم طلوع کرد. دست قدرت الهی، فقیه‌ی بزرگ و پرهیزکار و مجرب را برانگیخت تا با هجرت به قم، حوزه‌ی مندرس و تعطیل شده را دوباره جان بخشد و نهالی تازه و مبارک در سنگلاخ آن زمانه‌ی ناسازگار، در مجاورت حرم دُخت مطهر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و در آن زمین مستعد بنشاند.

❖ هنر تشکیل حوزه‌ی علمیّه‌ی قم توسط آیت الله حائری باتکیه بر تجربیات گذشته

قم در هنگام ورود آیت الله حائری از علمای بزرگ خالی نبود؛ بزرگانی چون آیات الله میرزا محمد ارباب و شیخ ابوالقاسم کبیر و تعدادی دیگر در این شهر میزیستند، ولی هنر بزرگ تشکیل حوزه‌ی علمیّه یعنی پرورشگاه علم و عالم و دین و دین^۱ با همه‌ی ظرافتها و تدبیرهایش فقط از شخصیت مؤیدی چون آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری (اعلی الله مقامه فی الجنان) برمی آمد.

تجربه‌ی هشت ساله‌ی تشکیل و اداره‌ی حوزه‌ی علمیّه‌ی پُرونق در اراک، و سال‌ها پیش از آن، معاشرت نزدیک با رهبر بزرگ شیعه، میرزای شیرازی در سامرا و ملاحظه‌ی تدابیر ایشان در تشکیل و اداره‌ی حوزه‌ی علمیّه‌ی آن شهر، به اورهنمایی میدادند؛ و درایت و شجاعت و انگیزه و امید در او، وی را در این راه دشوار به پیش میبردند.

(۱) دین دار، پرهیزکار



انسان دالاء و راناء مبرک،
عالم دین و آراسته به آرامش یقین،
حضرت آیت الله العظمی صاحب شیخ عبدالکریم حائری ..



❖ ماندگاری و رشد حوزه‌ی علمیّه‌ی قم با پایداری آیت الله حائری

حوزه در سالهای آغازین، با پایداری مخلصانه و متوکلانه‌ی او از زیر تیغ آخته‌ی رضاخانی که برای محو نشانه‌ها و پایه‌های دین، به صغیر و کبیر رحم نمی‌کرد، به سلامت جُست؛ ستمگر خبیث نابود شد، و حوزه‌ای که سالها زیر فشار حدّا کثری او بود، ماند و رشد کرد؛ و از آن، خورشیدی چون حضرت روح الله سر برآورد. حوزه‌ی علمیّه‌ی قم که یک روز طلبش برای حفظ جان خود از سحرگاه به زوایایی در بیرون شهر پناه می‌بردند و به درس و بحث می‌پرداختند و شبانگاه به حجره‌های تاریک در مدرسه‌ها باز می‌گشتند، در چهار دهه پس از آن، کانونی شد که شعله‌های مبارزه با دودمان خبیث رضاخان را به سراسر ایران می‌فرستاد و دل‌های افسرده و ناامید را برمی افروخت و جوانان منزوی را به میانه‌ی میدان میکشاند.

❖ برکات حوزه‌ی علمیّه‌ی قم از رسیدن به قله‌ی علمی تا ایجاد جمهوری اسلامی

و همین حوزه بود که چندی پس از درگذشت مؤسّسش، با قدم مرجع عظیم الشان، آیت الله بروجردی، قله‌ی علمی و تحقیقی و تبلیغی تشیّع در سراسر جهان شد. و سرانجام همین حوزه بود که در کمتر از شش دهه، قدرت معنوی و وجهه‌ی مردمی خود را به آنجا رساند که توانست رژیم خائن و فاسد و فاسق پادشاهی را به دست مردم ریشه کن کند و پس از قرن‌ها، اسلام را در جایگاه حاکمیّت سیاسی کشوری بزرگ و با فرهنگ و دارای همه گونه استعداد بنشانند. متخرّج همین حوزه‌ی پُربرکت بود که ایران را الگوی اسلام خواهی در جهان اسلام، بلکه پیشرو دین گرایی در سراسر جهان ساخت؛ با خطاب پیامبرانه‌ی او خون بر شمشیر پیروز شد؛ با تدبیر او جمهوری اسلامی متولّد شد؛ با شجاعت و توکل او ملت ایران در برابر تهدیدها سینه سپر کرد و بر بسیاری فائق آمد؛ و امروز با درسها و موارث او کشور در بسیاری از ابعاد زندگی، مانعها را درمینوردد و پیش میرود.

رحمت و رضوان پیوسته‌ی خدا بر بنیان گذار این حوزه‌ی پُربرکت و با عظمت و این شجره‌ی طیّبه‌ی پُرثمر؛ انسان والا و دانا و مبارک، عالم دین و آراسته به آرامش یقین، حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری.



حوزه دس‌لای آغ‌زین با پایدارسی حنصانه و متوکلانه‌ی او از
زیر تیغ آخته‌ی رضاخانی که برای صوفی‌ها و پاینده‌ی دین، به
صغیر و کبیر رحم نمیکرد، به سلامت نجست؛ ستمگر جنیت نابور شد،
و حوزه‌ی که سال‌ها زیر فشار جد کثرتی ادب‌مانده‌ی رشده‌گرد... و
از آن خورشیدی چون حضرت روح‌القدس سر برآمده، حوزه‌ی علمیه‌ی که
یک روزه طلا بتر برای حفظ جان خورنده‌ی سیرک‌ها به زوایای در بیرون مهر
پناه می‌بردند و به درس و کتب سپردافتند و شبانه‌ها به حجره‌های تاریک
در مدرسه یا باز می‌گشتند، در چهار دهه‌ی پیرایه‌ی آن کانونی شدند که
سده‌های مبارزه با دورمان جنیت رضاخان را به سر اسیر ایران می‌فرستاد
در دلای فخر و نامیده را برمی افروخت و جوانان منزوی را به
میدانی میدان می‌گشاند.



✧ مسیر رسیدن به حوزه‌ای پیشرو و سرآمد

اکنون لازم است درباره‌ی چند موضوع که گمان می‌رود به کار امروز و فردای حوزه‌ی علمیّه خواهد آمد، سخنانی گفته شود، به امید آن که حوزه‌ی موفق کنونی را در راه رسیدن به حوزه‌ای «پیشرو و سرآمد» کمک کند.

✧ عناصر تشکیل دهنده و کارکردهای عنوان «حوزه‌ی علمیّه»

نخستین موضوع، عنوان «حوزه‌ی علمیّه» و محتوای عمیق آن است. ادبیات رایج در این باره، کوتاه و نارسا است. حوزه برخلاف آنچه این ادبیات نشان می‌دهد، صرفاً یک مؤسسه‌ی تدریس و تدرّس نیست، بلکه مجموعه‌ای از علم، تربیت، و کارکردهای اجتماعی و سیاسی است. ابعاد گوناگون این واژه‌ی پُرمعنا را عمدتاً میتوان این گونه فهرست کرد:

۱. یک مرکز علمی با تخصّصهای معین؛
 ۲. مرکز تربیت نیروی مهذب و کارآمد برای هدایت دینی و اخلاقی جامعه؛
 ۳. خطّ مقدّم جبهه‌ی تقابل با تهدیدهای دشمنان در عرصه‌های گوناگون؛
 ۴. مرکز تولید و تبیین اندیشه‌ی اسلام در باب نظامات اجتماعی؛ از نظام سیاسی و شکل و محتوای آن، تا نظامات مربوط به اداره‌ی کشور، و تا نظام خانواده و روابط شخصی، بر اساس فقه و فلسفه و منظومه‌ی ارزشی اسلام؛
 ۵. مرکز و شاید قلّه‌ی نوآوری‌های تمدّنی و آینده‌نگری‌های لازم در چارچوب پیام جهانی اسلام.
- این سرفصل‌ها است که واژه‌ی «حوزه‌ی علمیّه» را معنی میکند و عناصر تشکیل دهنده‌ی آن و به تعبیری «انتظارات» از آن را نشان می‌دهد؛ و همینها است که تلاش برای تقویت و پیشرفت آنها، میتواند حوزه را به معنی واقعی «پیشرو و سرآمد» نماید و چالش‌ها و تهدیدهای محتمل پیش رورا علاج کند.

درباره‌ی هریک از این سرفصل‌ها واقعیّات و نیز نظراتی وجود دارد که به اجمال میتوان این گونه بیان کرد:



الکون لازم است دوباره‌ی چینه
مدل‌های کج‌تختان می‌رود به کار امروز
و فرای حوزه‌ی علمی نخواهد آمد ،
سخت‌ن‌لغت شود ، به امید آن که
حوزه‌ی موفق‌کنونی را به راه رسیدن
به حوزه‌ی « پیشرو و سرآمد »
ملک کند .



اول + مرکز علمی

حوزه‌ی قم، وارث سرمایه‌ی سترگ علمی شیعه است. این ذخیره‌ی در نوع خود بی‌نظیر، محصول اندیشه‌ورزی و پژوهشگری هزاران عالِم دینی در دانشهایی همچون فقه و کلام و فلسفه و تفسیر و حدیث، در طول هزار سال است. تا پیش از اکتشافات علوم طبیعی در قرنهای اخیر، حوزه‌های علمی شیعه، عرصه‌ای برای پرداختن به علوم دیگر نیز به شمار میرفته؛ ولی در همه‌ی ادوار، محور اصلی بحث و تحقیق در حوزه‌ها، «علم فقه» و پس از آن با فاصله‌ای، «کلام و فلسفه و حدیث» بوده است.

پیشرفت تدریجی علم فقه در طول این دوره‌ی طولانی، از زمان شیخ طوسی تا عصر محقق حلی، و از آنجا تا شهید، و از آنجا تا محقق اردبیلی، و از آنجا تا شیخ انصاری و تادوران کنونی برای اهل فن محسوس است. معیار در پیشرفت فقه، افزودن به داشته‌های یعنی تولیدات علمی فاخر و ارتقاء سطح علم و یافته‌های جدید است؛ ولی امروز با نگاه به تحولات سریع و شدید فکری و عملی در دورانهای معاصر، مخصوصاً در سده‌ی اخیر، انتظاراتی بیش از این را در زمینه‌ی پیشرفت علمی حوزه باید مورد توجه قرار داد.

وظایف علم فقه در قبال مسائل امروز

در خصوص علم فقه این نکات درخور ملاحظه است:

اولاً فقه، پاسخ دین به نیازهای عملی فرد و جامعه است. با عقلانیت تحول یافته‌ی نسلها، این پاسخگویی باید امروز بیش از گذشته دارای پشتوانه‌ی فکری و علمی استوار و در عین حال قابل فهم و هضم باشد.

دیگر اینکه پدیده‌های پیچیده و پرتعداد در زندگی امروز مردم، سؤالهای بی‌سابقه‌ای را پیش می‌آورد که فقه معاصر باید پاسخ آنها را آماده داشته باشد.

دیگر اینکه امروز با تشکیل نظام سیاسی اسلام، سؤال اصلی، چگونگی نگاه کلان شارع به ابعاد فردی و اجتماعی زندگی بشر و پایه‌های اصولی آن است؛ از نگاه به انسان و جایگاه انسانی و هدفهای زندگی او، تا نگاه به شکل مطلوب جامعه‌ی بشری، و نگاه به سیاست و قدرت و روابط اجتماعی و خانواده و جنسیت و عدالت و دیگر ابعاد زندگی. فتوای فقیه در هر مسئله باید نشان‌دهنده‌ی بخشی از این نگاه کلان باشد.



🌟 الزامات پاسخ‌دهی فقیه به نیازهای امروز و نکاتی در شیوه‌ی کار کنونی حوزه

الزام مهم برای دست یافتن به این خصوصیات، اولاً آشنایی فقیه با همه‌ی ابعاد و معارف دینی در همه‌ی زمینه‌ها، و ثانیاً آشنایی مناسب با یافته‌های امروز بشر در عرصه‌ی علوم انسانی و دانش‌های مرتبط با زندگی انسان است. باید پذیرفت که ذخیره‌ی انباشته‌ی علم در حوزه این ظرفیت را دارد که طلبه را به این حدّ از توانایی‌های علمی برساند، مشروط بر اینکه برخی نکته‌ها در شیوه‌ی کار کنونی با چشم باز دیده و با دست توانا علاج شود.

یکی از این نکته‌ها، طولانی بودن دوره‌ی تحصیل است. دوره‌ی متن خوانی طلبه به شیوه‌ی سؤال برانگیز می‌گذرد؛ طلبه ناگزیر است کتاب قطور و محققانه‌ی یک عالم بزرگ را به عنوان کتاب درسی بیاموزد. این کتاب در واقع مربوط به هنگام ورود او به مرحله‌ی تحقیق اجتهادی است و سپردن آن به او پیش از این مرحله، تنها اثرش، طولانی کردن زمان متن خوانی است. کتاب درسی باید حاوی مطلب و زبان مناسب طلبه برای دوران محدود پیش از ورود به مرحله‌ی تحقیق باشد. تلاش موفق یا ناموفق بزرگانی همچون آخوند خراسانی، حاج شیخ عبدالکریم حائری، و حاج سیدصدرالدین صدر برای جایگزین کردن کتاب‌هایی چون قوانین و رسائل و فصول، با کفایه و دررالفوائد و خلاصه‌الفصول، با نگاه به همین ضرورت مهم بوده است. با اینکه آنها در زمانی زندگی میکردند که طلبه با انبوه واردات ذهنی و تکالیف عملی مانند امروز روبه‌رو نبود.

نکته‌ی دیگر، مسئله‌ی اولویتهای فقهی است. امروز با تشکیل نظام اسلامی و مطرح شدن حکمرانی به شیوه‌ی اسلام، موضوعات مهمی برای حوزه اولویت یافته که در گذشته مطرح نبوده است؛ مسئله‌هایی از قبیل روابط دولت با مردمش و با دولتها و ملتهای دیگر، موضوع نفی سبیل، نظام اقتصادی و پایه‌های اصولی آن، پایه‌های اصولی نظام اسلامی، منشأ حاکمیت از نظر اسلام، نقش مردم در آن و موضع‌گیری در قضایای مهم و در مقابل نظام سلطه، مفهوم و محتوای عدالت، و ده‌ها موضوع اساسی و بعضاً حیاتی دیگر، برای امروز و فردای کشور دارای اولویت و منتظر پاسخ فقهی است. (برخی از آنها دارای جنبه‌ی کلامی نیز میباشد که در جای خود باید بحث شوند.)

در شیوه‌ی کار کنونی حوزه، در بخش فقهی، توجه کافی به این اولویتهای دیده نمیشود. گاه می‌بینیم برخی مهارت‌های علمی که عموماً جنبه‌ی آلی و مقدماتی برای رسیدن به حکم شرع را دارد یا بعضی موضوعات



فقهی یا اصولی خارج از اولویّتها، فقیه و محقق را با شیرینی وسوسه‌انگیز خود، چنان در خود غرق میکند که ذهن او را بکلی از آن مسائل اصلی و اولویّت‌دار منصرف می‌سازد و فرصت‌های بی‌جایگزین و سرمایه‌های انسانی و مالی را فدا میکند، بی‌آنکه در وادانفسای هجوم کفر، کمکی به تبیین سبک زندگی اسلامی و هدایت جامعه برساند.

اگر هدف کار علمی، اظهار فضل و شمع‌ه‌ی^۲ علمی و مسابقه در فاضل نما شدن باشد، مصداق فعل مادی و دنیاگرایانه و «اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ»^۳ خواهد بود.

دوم + تربیت نیروی مهذب و کارآمد

حوزه نهادی برون‌گرا است. خروجی حوزه در همه‌ی سطوح، در خدمت فکر و فرهنگ جامعه و انسانها است. حوزه موظف به «بلاغ مبین» است. دامنه‌ی این بلاغ، گستره‌ای عظیم است از معارف والای توحیدی تا وظایف شخصی شرعی، و از تبیین نظام اسلامی و شاکله و وظایف آن تا سبک زندگی و محیط زیست و حمایت از طبیعت و از حیوان، و بسی عرصه‌ها و زوایای دیگر حیات بشری.

حوزه‌های علمی از دیرباز به این وظیفه‌ی سنگین پرداخته و کسان بسیاری از متخرّجان^۴ آنها در سطوح مختلف علمی به شیوه‌های گوناگون تبلیغ دین روی آورده و عمری در آن گذرانده‌اند. پس از انقلاب، نهادهایی برای نظم بخشیدن و احیاناً قوام دادن به محتوای این حرکت‌های تبلیغی در حوزه پدید آمد. خدمات بالارزش آنان و دیگر متحرّفان^۵ امر تبلیغ دین نباید نادیده گرفته شود.

آنچه مهم است، آشنایی با فضای فکر و فرهنگ جامعه و ایجاد تناسب میان آورده‌های تبلیغی با واقعیّتهای فکری و فرهنگی در میان مردم بویژه جوانان است. در این بخش حوزه دچار مشکل است. این صدها مقاله و مجله و گفتارهای مجلسی و تلویزیونی و امثال آن، در برابر سیل القائات مغالطه‌آمیز، نمیتواند وظیفه‌ی بلاغ مبین را چنان که نیاز و شایسته است، به انجام رساند.

۲. شهرت، آوازه

۳. سوره‌ی فرقان، بخشی از آیه‌ی ۴۳

۴. فارغ‌التحصیلان، تحصیلکرده‌ها

۵. شاغلان حرفه‌ای



🔖 نیاز مبلغ دین به تعلیم محتوا و شیوه‌های تبلیغ

جای دو عنصر کلیدی برای این بخش در حوزه خالی است: «تعلیم» و «تهذیب». رساندن پیامی که به‌روز و پُرکننده‌ی خلأ و برآورنده‌ی هدف دین باشد، حتماً نیازمند آموزش و فراگیری است. دستگاهی باید متصدی این مأموریت شود و قدرت اقناع، آشنایی با شیوه‌ی گفتگو، آگاهی از نوع تعامل با افکار عمومی و فضای رسانه‌ای و مجازی، انضباط در مواجهه با عنصر مخالف را به طلبه بیاموزد و با تمرین و ممارست، در دوره‌ای محدود، او را آماده‌ی ورود به این میدان کند. از سویی با استفاده از ابزارهای فنی روز، تازه‌ترین و شایع‌ترین القائات و آفتهای فکری و اخلاقی را گردآوری و بهترین و رساترین و قوی‌ترین پاسخ را در قالب ادبیات متناسب با زمان برای آن فراهم کند، و از سوی دیگر لازم‌ترین دانستی‌های دینی متناسب با وضع فرهنگی و فکری روز را به صورت بسته‌های مناسب اندیشه و فرهنگ نسل جوان و نوجوان و خانواده‌ها تدوین نماید. این مجموعه‌ی شکلی و محتوایی، مهم‌ترین موضوع تعلیم در این بخش است.

🔖 پرورش مجاهد فرهنگی در کار تبلیغ

در کار تبلیغ، موضع ایجابی و حتی تهاجمی، از موضع دفاعی مهم‌تر است. آنچه درباره‌ی دفع و رفع شبهه‌ها و القائات گفته شد، نباید دستگاه تبلیغ را از تهاجم به مسلّمات فرهنگ انحرافی رایج در جهان و احیاناً در کشور ما، به غفلت بکشانند. فرهنگ تحمیلی و القائی غرب، با سرعتی روزافزون، روبه کج‌روی و انحطاط است؛ حوزه‌ی فلسفه‌دان و متکلم، به دفاع در برابر شبهه‌انگیزی بسنده نمی‌کند بلکه در قبال این کج‌روی و گمراهی، چالشهای فکری می‌آفریند و مدّعیان گمراه‌ساز را مجبور به پاسخگویی میکند. تدارک این دستگاه آموزش‌دهنده از جمله اولویتهای حوزه است؛ این، پرورش «مجاهد فرهنگی» است و با توجّه به تحرّک دشمنان دین که بجد در حال نیروپروری بخصوص در برخی عرصه‌های مهم میباشند، شایسته است بسیار جدّی شمرده شود و شتاب بگیرد.

🔖 توجه مبلغان دین به تهذیب نفس

تهذیب، ضرورت دیگری در کنار تعلیم است. تهذیب به معنی منزوی‌پروری نیست. بخش عمده‌ای از گستره‌ی فعالیت مجاهد فرهنگی، دعوت به تهذیب نفس و اخلاق اسلامی است، و این بدون برخورداری دعوت‌کننده از آنچه بدان دعوت میکند، کاری بی‌اثرو بی‌برکت است. حوزه نیازمند تحرّکی بیش از گذشته



در تأکید بر توصیه‌های اخلاقی است.

شما طلاب و فضلاء جوان به طور حتم قادرید به مدد دل پاک و ناآلوده و زبان صادق خود، وظیفه‌ی تهذیب اخلاقی نسل جوان امروز را به سرانجام برسانید، مشروط بر اینکه نخست از خود شروع کنید. اخلاص در عمل و بستن راه بر وسوسه‌ی مال و نام و مقام، کلید ورود به فضای دلنواز معنویت و حقیقت است؛ و چنین است که کار دشوار مجاهدت فرهنگی، وظیفه‌ای شیرین و حرکتی اثرگذار خواهد شد. سختی‌های طلبگی در چنین وضعی به جای آنکه مانع رفتار مجاهدانه‌ی تبلیغ شود، به وسیله‌ای برای اراده‌ی محکم و عزم راسخ تبدیل خواهد شد.

تأکید میکنم که به صحنه‌ی تبلیغ دین هرگز به چشم یک میدان بی‌رقیب نباید نگریست و از مقابله با ابهامها و مغالطاتی که پی‌درپی به صحنه فرستاده میشود، لحظه‌ای نباید غفلت کرد. در این بخش، در کنار تربیت نیرو برای بلاغ مبین، باید تربیت نیرو برای وظایف خاص در نظام و اداره‌ی کشور و نیز تربیت نیرو برای سامان دادن به درون حوزه‌ی علمیه و انجام دادن وظایف آن نیز مورد توجه قرار گیرد، که مستلزم بحث جداگانه است.

سوم + خط مقدم جبهه‌ی تقابل با تهدیدهای دشمن در عرصه‌های گوناگون

این یکی از ناشناخته‌ترین ابعاد حوزه‌های علمیه و کارکرد مجموع علمای دین است. بی‌شک هیچ حرکت اصلاحی یا انقلابی در ۱۵۰ سال اخیر را در ایران و عراق نمیتوان یافت که علمای دین آن را رهبری نکرده یا در خطوط مقدم آن حضور نداشته‌اند. این نشانه‌ی مهمی از سرشت حوزه‌های علمیه است. در طول این دوران، در همه‌ی موارد سیطره جویی استعمار و استبداد، تنها علمای دین بودند که ابتدائاً وارد میدان شده و در بسیاری موارد به برکت حمایت مردم توانستند دشمن را ناکام بگذارند. هیچ کس جز آنان جرئت دم زدن نداشت و یا مسئله را بدرستی درک نمیکرد و پس از فریاد علما بود که شاید دیگرانی هم صدایی بلند میکردند.

کسروی که از معاندین سرسخت علمای دین به شمار میرود، اعتراف میکند که آغاز جنبش مشروطه از همراهی بخردانه‌ی دوسید بهبهانی و طباطبائی پدید آمد. آری، آن روزها که غول استبداد در ایران پرچم افراشته بود، هیچ کس جز مراجع و علما جرئت دم زدن نداشت.



قراردادهای ننگین در طول این مدّت با مخالفت و ممانعت علما بود که ابطال شد؛ قرارداد رویتر با جلوگیری حاج ملاعلی کنی، عالم بزرگ تهران؛ قرارداد تنباکو با حکم میرزای شیرازی، مرجع اعلی، و همراهی علمای بزرگ ایران؛ قرارداد وثوق الدوله با افشاگری مدرّس؛ مبارزه با منسوجات خارجی با ابتکار آقاجانی اصفهانی و همراهی علمای اصفهان و پشتیبانی علمای نجف؛ و مواردی دیگر.

در همان سالهای مقارن با تشکیل حوزه‌ی قم، بخشهایی از عراق و مرزهای ایران، با مرکزیت نجف و کوفه، صحنه‌ی جنگ مسلّحانه‌ی علما با قوای اشغالگر انگلیس بود؛ نه تنها طلب و مدرّسین، که برخی علمای معروف همچون سیدمصطفی کاشانی و بعضی فرزندان مراجع در این درگیری‌ها شرکت داشتند، که برخی شهید و بسیاری پس از آن به نقاط دوردست مستعمرات انگلیس تبعید شدند.

فعّالیت مراجع بزرگ در مسئله‌ی فلسطین نیز -چه در اوایل قرن که سیاست کوچ و تسلیح صهیونیست‌ها در فلسطین اجرا میشد، و چه در دهه‌ی سوّم آن که بخش مهمّ فلسطین رسماً به صهیونی‌ها سپرده و دولت جعلی صهیونی اعلام شد- از بخشهای افتخارآمیز حوزه‌های علمیه است. نامه‌ها و بیانیه‌های آنان در این باره، در شمار ارزشمندترین اسناد تاریخی است.

نقش بی‌بدیل حوزه‌ی قم و سپس دیگر حوزه‌های علمیه در ایران در ایجاد نهضت اسلامی و برپا کردن انقلاب و توجیه افکار عمومی و به میدان آوردن عموم مردم نیز از برجسته‌ترین نشانه‌های هویت جهادی حوزه‌های علمیه است. تحصیل‌کردگان حوزه با ذهنهای فعّال و زبانهای گویا از نخستین کسانی بودند که به غریو دشمن شکن امام مجاهد پاسخ گفته و با سرعت و جدّیت و همراه با تحمّل صدمات، وارد میدان شده و به گسترش مفاهیم انقلابی و توجیه افکار عمومی پرداختند.

🌟 امیدها و هشدارهای امام (ره) در پیام به حوزه‌های علمیه

با آگاهی از این حقایق است که امام راحل (ره) در پیام پُر محتوا و تکان‌دهنده‌ی خود به حوزه‌های علمیه،^۶ روحانیت را پیش‌کسوت شهادت در همه‌ی انقلابهای مردمی و اسلامی دانسته، و متقابلاً راه شهدا و کار آنها را رسیدن به حقیقت تفقّه شمرده‌اند. در تعبیری دیگر علما را پیش‌گام در میدان جهاد و حمایت از میهن و حمایت از مظلومان معرّفی کرده‌اند. برای آینده‌ی حوزه هم بیشترین امید خود را به طلب و فضلائ

۶. صحیفه‌ی امام، ج ۲۱، ص ۲۷۳؛ پیام به روحانیون، مراجع، مدرّسین، طلب و ائمّه‌ی جمعه و جماعات (۱۳۶۷/۱۲/۳)



بسته اند که دغدغه‌ی نهضت و مبارزه و انقلاب، آنها را به تحرّک واداشته است، و از کسانی که فارغ از این مسائل حیاتی، فقط به کتاب و درس خود اکتفا میکرده اند، گلایه مندی خود را نشان داده اند. در این پیام بارها به تحجّرگرایان اشاره شده و نسبت به نفوذ دشمن با استفاده از غفلت آنان هشدار و دربارۀ شیوه‌های تحوّل یافته‌ی دین فروشی اعلام خطر شده است. به نظر صائب امام بزرگوار، شکارچیان استعمار در سراسر جهان در کمین شیردلان روحانی سیاست شناس نشسته و برای مبارزه با مجد و عظمت و نفوذ مردمی روحانیت برنامه‌ریزی میکنند.

🌟 نگرانی امام علیه السلام از تحجّر و جدایی دین از سیاست

در آن متنی خردمندانه که با احساساتی عارفانه و عاشقانه به نگارش درآمده است، دل‌واپسی امام بزرگوار از اینکه جریان تحجّر و تقدّس‌نمایی، حوزه‌ی علمیّه را دچار وسوسه‌ی جدایی دین از سیاست و فعالیت‌های اجتماعی کند و راه درست پیشرفت را مسدود سازد، آشکار است. این دغدغه ناشی از ترویج جریان خطرناکی است که دخالت حوزه در مسائل اساسی مردم و ورود در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و مبارزه‌ی آن با ظلم و فساد را منافی با قدسیّت دین و حریم معنوی آن وانمود میکند و روحانیت را به صلح کل بودن و دوری کردن از مخاطرات ورود در سیاست سفارش میکند. ترویج این توهم باطل، بزرگ‌ترین هدیه به عوامل استعمار و استکبار است که همواره از حضور و ورود علمای دین در معرکه‌ی مبارزه با آنان زیان دیده و در موارد متعدّد شکست خورده‌اند؛ و بزرگ‌ترین هدیه به عوامل نظام فاسد و فاسق و مزدوری است که با حرکت ملت ایران به رهبری یک مرجع تقلید، ریشه‌کن و ازاله شد. قدسیّت دین بیش از همه جاد در میدان‌های جهاد فکری و سیاسی و نظامی بُروز میکند و با فداکاری و جهاد حاملان معارف دین و نثار خون پاک آنان تثبیت میشود. قدسیّت دین را در سیره‌ی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله باید دید که در هنگام ورود به یثرب اولین اقدامش تشکیل حکومت و تنظیم نیروی نظامی و یکپارچه کردن عرصه‌ی سیاست و عبادت در مسجد بود. حوزه‌ی علمیّه برای حفاظت از اعتبار معنوی و وفاداری به فلسفه‌ی وجودی‌اش باید از مردم و جامعه و مسائل اساسی آن هرگز جدا نشود و جهاد را در همه‌ی گونه‌هایش در هنگام نیاز، وظیفه‌ی قطعی خود بداند.



این همان سخن مهمی است که امام بزرگوار بارها با حوزه و پیشکسوت‌ها و بزرگان و به گونه‌ی ویژه با طلاب و فضیای جوان آن در میان گذاشته و بر آن تأکید کرده‌اند.

چهارم + مرکز مشارکت در تولید و تبیین نظامات اجتماعی

کشورها و جوامع بشری در همه‌ی شئون اجتماعی خود با نظامات مشخصی اداره می‌شوند؛ شکل حکومت، شیوه‌ی حکمرانی (استبداد، مشورت و...)، نظام قضائی و داوری در اختلافات و تخلفات و موضوعات حقوقی یا جزائی، نظام اقتصادی و مالی و مسئله‌ی پول و غیره، نظام اداری، نظام کسب و کار، نظام خانواده، و دیگرها و دیگرها، همه در شمار شئون اجتماعی کشورند که در جوامع عالم به شیوه‌های گوناگون و در قالب نظامهای گوناگون اداره می‌شوند. بی‌شک هریک از این نظامها متکی بر یک پایه‌ی فکری - چه برآمده از ذهن متفکران و صاحب نظران، و چه زاییده از سنت‌ها و عاداتهای بومی و ارثی - و برخاسته از آن است. در حکومت اسلامی این مبنا و قاعده طبعاً باید برگرفته از اسلام و متون معتبر آن باشد و نظامات اداره‌ی جامعه از آنها استخراج شود.

فقه شیعه اگرچه جز در برخی موارد - همچون باب قضا - به گونه‌ی کافی به این کار نپرداخته، ولی به برکت قواعد گسترده‌ی فقهی مستفاد از کتاب و سنت، و نیز به مدد عناوین ثانویه، کفایت لازم را برای طراحی نظامهای گوناگون اداره‌ی جامعه دارا است.

در باب اصل و منشأ حکومت، کار برجسته‌ی امام راحل در مباحث «ولایت فقیه» در هنگام تبعید به نجف، آغازی مبارک بود و راه تحقیق را به روی فضیای حوزوی گشود، و پس از تشکیل جمهوری اسلامی، ابعاد گوناگون آن در نظر و عمل تکامل یافت؛ ولی این کار در بسیاری از نظامات اجتماعی کشور همچنان نافرجام و بی‌سامان باقی مانده است. این خلأ را حوزه باید پُر کند؛ این در شمار وظایف حتمی حوزه‌ی علمیّه است. امروز با حاکمیت و استقرار نظام اسلامی، وظیفه‌ی فقیه و فقاهاست سنگین است. امروز نمیتوان فقاها را به تعبیر امام راحل، همچون ناآگاهان، غرق شدن در احکام فردی و عبادی دانست. فقه اُمت‌ساز، محدود به حد و اندازه‌ی احکام عبادی و وظایف فردی نیست.

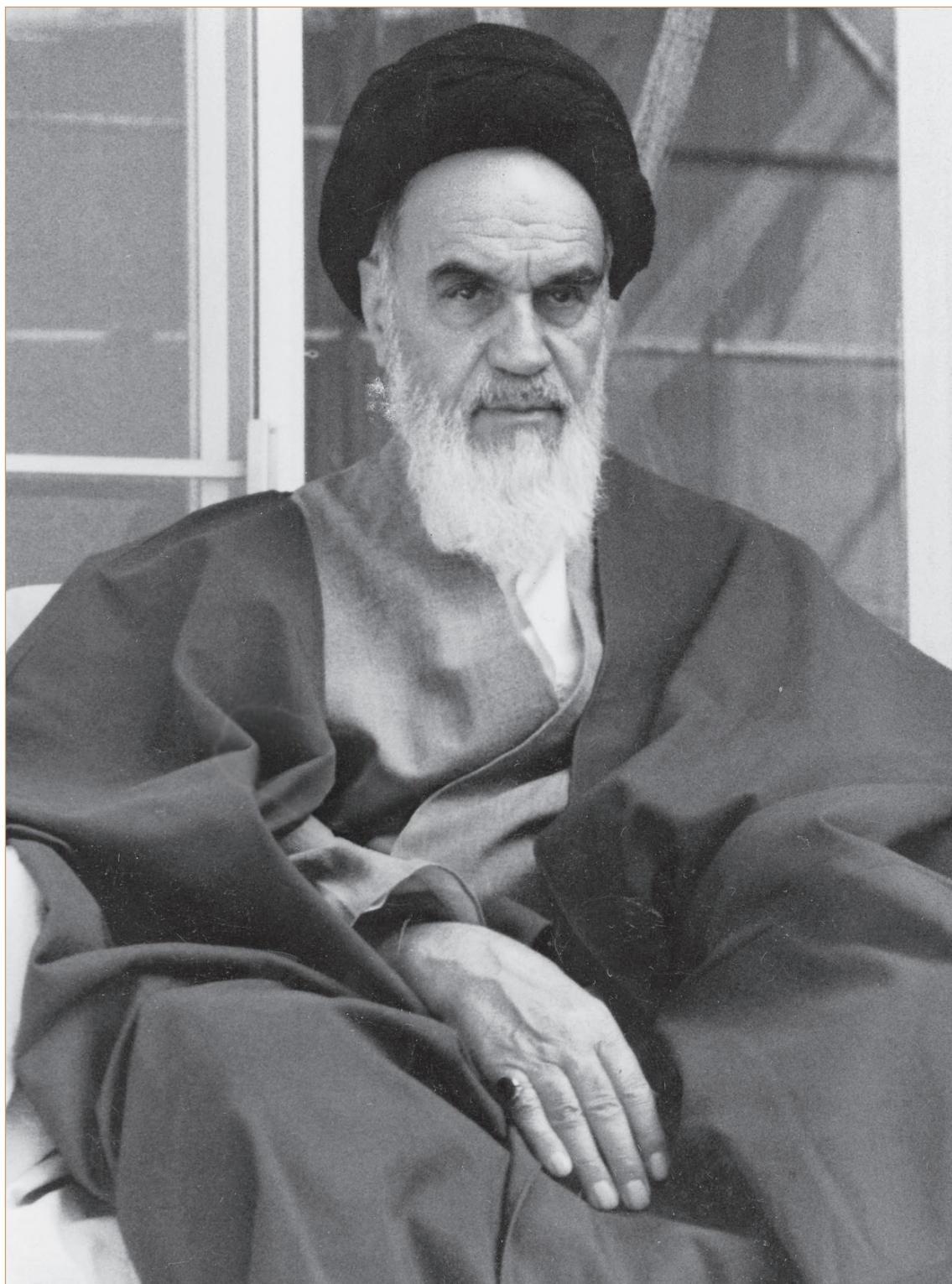


🌟 نیاز حوزه به آگاهی از یافته‌های امروز جهان و همکاری دانشگاه برای تنظیم نظامات اجتماعی

البته حوزه برای طرّاحی و تنظیم نظامات اجتماعی نیاز دارد که با یافته‌های امروز جهان درباره‌ی این نظامات به اندازه‌ی لازم آشنایی داشته باشد. این آشنایی، فقیه را قادر خواهد ساخت که با بهره‌برداری از درست و نادرست این یافته‌ها، حضور ذهن لازم برای استفاده از تصریحات و اشارات کتاب و سنت بیابد و شاکله‌ی نظامات اجتماعی را برای اداره‌ی جامع و کامل جامعه بر اساس اندیشه‌ی اسلامی طرّاحی کند. در کنار حوزه، دانشگاه کشور نیز در این زمینه، دارای توان و تکلیف است؛ این میتواند یکی از موارد همکاری حوزه و دانشگاه باشد. کار بزرگ دانشگاه آن است که در علوم انسانی مرتبط با نظامات حاکمیتی و مردمی، به کمک نگاه محققانه و نقّاد، درست و نادرست نظرات رایج دانش جهان را مشخص کند و با همکاری حوزه، محتوای اندیشه‌ی دینی را در قالب‌های متناسب ارائه کند.



منتخرج همین حوزه‌ی پربرکت بود
که ایران را الهامی اسلام خوانی در جهان
اسلام، بلکه پیشرو ری گرائی
در سرانجام جهان ساخت. با قطب پیامبری
او خون برکتش پرمز شد؛ با تدبیر او
حکمداری اسلامی متولد شد؛ با شجاعت
و ترکل او ملت ایران در برابر تهدیدها
سینه سپار کرد و بر بسیاری فائق آمد.
و امروز با درسا و مولود است او کشور
در بسیاری از ابعاد دنیوی و مادی
را در می نوردد و پیش می‌رود...





پنجم + نوآوری‌های تمدنی در چارچوب پیام جهانی اسلام

این برجسته‌ترین انتظار از حوزه‌ی علمیّه است. شاید بلندپروازی و آرزوپروری تلقی شود. در آن شب تاریخی پس از حمله به فیضیه در سال ۴۲ که امام راحل در خانه‌ی خود پس از نماز عشاء، برای جمع محدود و مرعوب طلاب سخن میگفت، شاید این تعبیر بلند که «اینها میروند و شما میمانید»، به نظر بعضی از ما بلندپروازی و آرزوپروری تلقی میشد، اما گذر زمان نشان داد که ایمان و صبر و توکل، کوه موانع را از جا می‌گند و کید دشمنان در برابر سنت الهی ناکارآمد است. «استقرار تمدن اسلامی» برترین هدف دنیایی انقلاب است، یعنی تمدنی که در آن، علم و فناوری و منابع انسانی و منابع طبیعی و همه‌ی توانایی‌ها و همه‌ی پیشرفتهای بشری، و حکومت و سیاست و نیروی نظامی و هر آنچه در اختیار بشر است، در خدمت عدالت اجتماعی و رفاه عمومی و کاستن از فواصل طبقاتی و افزودن بر پرورش معنوی و ارتقاء علمی و شناخت روزافزون طبیعت و استحکام ایمان به کار میرود.

تمدن اسلامی، مبتنی بر توحید و ابعاد اجتماعی و فردی و معنوی آن است؛ مبتنی بر تکریم انسان از جهت انسانیت - و نه از جهت جنس و رنگ و زبان و قومیت و جغرافیا - است؛ متکی بر عدالت و ابعاد و مصادیق آن است؛ متکی بر آزادی انسان در عرصه‌های گوناگون است؛ متکی بر مجاهدت عمومی در همه‌ی میدانهایی است که در آنها نیاز به حضور جهادی هست.

تمدن اسلامی در نقطه‌ی مقابل تمدن مادی کنونی است. تمدن مادی از آغاز با استعمار، با تصرف سرزمین‌ها و تحقیر ملتهای ضعیف، با کشتارهای دسته‌جمعی بومیان، با استفاده از علم برای سرکوب دیگران، با ظلم، با دروغ، با ایجاد درّه‌های طبقاتی، با زورگویی شروع شد و بتدریج فساد و انحراف از مبانی اخلاقی و تحفظ‌های جنسی نیز در آن راه یافت و رشد کرد.

امروز نمونه‌های آشکار و کامل شده‌ی این بنای کج نهاد را در کشورهای غربی و دنباله‌روان آنها می‌بینیم: قلّه‌های ثروت در کنار درّه‌های فقر و گرسنگی؛ زورگویی شیفتگان قدرت به هر آن کس که بتوان به او زور گفت؛ به کارگیری علم برای کشتارهای عمومی؛ کشاندن فساد جنسی به داخل خانواده‌ها و تا کودکان و نونهالان؛ ظلم و قساوت بی‌نظیر در نمونه‌هایی همچون غزه و فلسطین؛



تهدید به جنگ به خاطر دخالت در امور دیگران در نمونه‌هایی مانند رفتار دولتمردان آمریکا در دورانهای اخیر.

بدیهی است که این تمدن باطل رفتنی است و ازاله خواهد شد؛ این، سنت حتمی آفرینش است: «إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»؛^۷ «فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً».^۸ وظیفه‌ی امروز ما اولاً کمک به ابطال این باطل و ثانیاً تدارک تمدن جایگزین در نظر و عمل به قدر توانایی است. اینکه بگویند: «دیگران نتوانستند، پس ما هم نمیتوانیم»، مغالطه است. دیگران هر جا با ایمان و با محاسبه و با استقامت حرکت کردند، توانستند و پیروز شدند. نمونه‌ی واضح و پیش چشم ما: انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی. در این مبارزه آسیب‌ها و ضربه‌ها و دردها و فقدانهایی هست که باید تحمل شود. در این صورت پیروزی حتمی است. پیامبر اعظم ﷺ شبانه و مخفیانه از مکه و از میان حلقه‌ی بت پرستان بیرون آمد و در غار پنهان شد، ولی پس از هشت سال با شکوه و اقتدار به مکه قدم نهاد و کعبه را از بت‌ها و مکه را از بت پرستان پیراست. در این هشت سال رنج بی حساب برد و یارانی چون حمزه را از دست داد، ولی پیروز شد.

دفاع مقدس هشت ساله‌ی ما هم در برابر ائتلاف جهانی قدرتمندان ظالم و دروغگو نمونه‌ای دیگر است. حوزه‌ی بزرگ و کارآمد امروز قم هم که در آغاز با آن محنت‌ها روبه‌رو بود، نمونه‌ی جلوی چشم ما است؛ و از این نمونه‌ها فراوان میتوان یافت.

حوزه‌ی علمی در این بخش وظیفه‌ای ارزشمند بر دوش دارد، و آن در درجه‌ی اول، ترسیم خطوط اصلی و فرعی تمدن نوین اسلامی است، و سپس تبیین و ترویج و فرهنگ سازی آن در جامعه است. این از جمله‌ی برترین مصادیق «بلاغ مبین» است.

در باب ترسیم شاکله‌ی تمدن اسلامی، فقه به نوعی، و علوم عقلی به نوعی نقش دارند. فلسفه‌ی اسلامی ما باید برای مسائل اصلی خود، امتداد اجتماعی ترسیم کند. فقه ما هم با گسترش میدان دید و نوآوری در استنباط، مسائل نوپدید چنین تمدنی را احصاء و احکام آن را معین نماید.

۷. سوره‌ی اسراء، بخشی از آیه‌ی ۸۱؛ «... آری، باطل همواره نابودشدنی است.»

۸. سوره‌ی رعد، بخشی از آیه‌ی ۱۷؛ «... اما کف، بیرون افتاده از میان می‌رود...»



🌟 توجه به دو عنصر زمان و مکان در اجتهاد و شناخت درست موضوع

بیان روشن امام بزرگوار درباره‌ی فقاہت و روش آن در حوزه‌ی علمیّ راه‌گشا است. در این بیان، شیوه‌ی استنباط همان روش فقه سنّتی و به تعبیر ایشان، اجتهاد جواهری است؛ با این حال، «زمان» و «مکان» دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند. ممکن است موضوعی در گذشته حکمی داشته ولی با تغییر روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد، اکنون حکم جدیدی یافته باشد. این تغییر حکم ناشی از آن است که موضوع هر چند در ظاهر همان موضوع قبلی است ولی با توجه به تغییر روابط سیاسی و اجتماعی و غیره، در واقع تغییر کرده و موضوع جدیدی شده است، پس حکم جدیدی می‌طلبد.

افزون بر این، حوادث پی‌درپی جهانی و پیشرفتهای علمی و غیره در مواردی میتواند فقیه ماهر را در یک مدرک از کتاب و سنّت، به فهم تازه‌ای برساند و حجت شرعی برای تغییر حکم شود؛ همچنان که در تبدل رأی مجتهدان غالباً اتفاق می‌افتد. در هر حال، فقه باید فقه بماند و نوفهمی تبدیل به ناخالص‌سازی شریعت نشود.

درباره‌ی تعریف و تفسیر از عنوان حوزه‌ی علمیّ و محتوای عمیق آن به آنچه گفته شد بسنده می‌کنم و سخنی کوتاه درباره‌ی حوزه‌ی قم که اکنون به صدسالگی رسیده است می‌گویم.

🌟 زنده بودن و بالندگی حوزه‌ی علمیّی قم در عرصه‌های مختلف

حوزه‌ی قم امروز حوزه‌ای زنده و بالنده است. حضور هزاران مدرّس و مؤلّف و محقّق و نویسنده و گوینده و متفکر در معارف اسلامی و انتشار مجلّات علمی و تحقیقی و نگارش مقالات تخصصی و عمومی، مجموعاً ثروت بزرگی برای امروز جامعه و ظرفیّت عظیمی برای فردای کشور و امت به شمار میرود. رواج درسهای تفسیر و اخلاق و افزایش مراکز و دروس علوم عقلی، نقطه‌ی قوّت برجسته‌ای است که حوزه‌ی پیش از انقلاب به آن دسترسی نداشت. حوزه‌ی قم هرگز این تعداد طلاب و فضیای صاحب فکر به خود ندیده بود. حضور فعّال در همه‌ی میدانهای انقلاب و حتّی در میدان نظامی و تقدیم شهدای گرانقدر در دوران دفاع مقدّس و پیش و پس از آن، از افتخارات بزرگ حوزه و در شمار حسنات بی‌شمار امام راحل است. گشودن راه به عرصه‌ی تبلیغات جهانی و تربیت هزاران طالب علم از ملّتهای گوناگون و حضور دانش‌آموختگان آن در بسیاری از کشورها کار بزرگ و بی‌سابقه‌ی دیگری است که باید از آن تقدیر کرد. توجه فقهای تازه‌نفس



به مباحث مبتلابه معاصر و دروس فقهی مربوط به آنها نیز آینده‌ی مطلوبی را در پیشرفت و تحوّل علمی نوید میدهد. اقبال فضلی جوان به دقت در نکات معرفتی متون معتبر اسلامی بویژه کلام الله مجید نیز مبشر مطرح شدن بیشتر قرآن در حوزه‌ی علمیّه است. تشکیل حوزه‌های علمیّه‌ی بانوان هم ابتکار مهم و اثرگذاری است که پاداش دائمی آن به روح مطهر امام راحل واصل میشود. حوزه‌ی قم با این نگاه، مجموعه‌ای زنده و پویا است و امیدهایی رازنده میکند.

🔖 توصیه‌هایی برای پیشرو و سرآمد بودن حوزه‌ی علمیّه‌ی قم

با این حال، این انتظار منطقی که حوزه‌ی قم حوزه‌ای پیشرو و سرآمد باشد، فاصله‌ی قابل توجهی با وضعیت کنونی دارد. توجه به نکات زیر میتواند این فاصله را کاهش دهد:

- 🔖 حوزه باید به روز باشد؛ به طور دائم با زمان پیش برود، بلکه حتی جلوتر از زمان حرکت کند.
- 🔖 به تربیت نیرو در همه‌ی بخشها اهمیت داده شود. مسیر حرکت این ملت و آینده‌ی انقلاب را نیروهایی ترسیم خواهند کرد که امروز در حوزه‌ی علمیّه تربیت میشوند.
- 🔖 حوزویان رابطه‌ی خود را با مردم افزایش دهند. برای حضور فضلی حوزه در میان مردم و رابطه‌ی صمیمی میان آنان برنامه‌ریزی شود.
- 🔖 مدیران حوزه با تدبیر مناسب، القاءات مغرضانه‌ای را که طلاب جوان را از آینده ناامید میکند، خنثی کنند. امروز اسلام و ایران و شیعه در جهان از عزّت و حرمتی برخوردار است که هرگز در گذشته دارا نبوده است. طلبه‌ی جوان با این احساس درس بخواند و رشد کند.
- 🔖 به نسل جوان جامعه با چشم خوش بینی نگرسته و با این نگاه با آنان تعامل شود. بخش مهمی از جوانان امروز با ضریب هوشی بالا، با وجود همه‌ی القاءات مخرب فکر و احساس دینی،



وفادار به دین و مدافع آنند و بسیاری دیگر هم به هیچ‌رو با دین و انقلاب بر سر عناد نیستند. اقلیت بسیار اندکِ مُعرض از ظواهر دینی، حوزه را دچار تحلیل غیرواقع‌بینانه نکند.

❗ برنامه‌های درسی حوزه به گونه‌ای نوشته شود که فقه روشن‌بین و پاسخگو و به‌روز، و البته فقی و متکی به شیوه‌ی اجتهادی، همراه با فلسفه‌ی روشن و دارای امتداد اجتماعی و صاحب‌نظر در شاکله‌ی زندگی جامعه، در کنار دانش کلام رسا و استوار و دارای قدرت اقناع، به وسیله‌ی استادان ماهر تدریس شود و این هر سه در پرتو فهم قرآن و درسهای تفسیر، جلا و نورانیت و عمق یابد.

❗ زهد، تقوا، قناعت، استغناء از غیر خدا، توکل، روحیه‌ی پیشرفت، آمادگی برای مجاهدت، توصیه‌های همیشگی امام بزرگوار و بزرگان اخلاق و معرفت به طلاب جوان بوده و اکنون نیز شما جوانان عزیز حوزه‌ی علمیه مخاطبِ همین توصیه‌ها هستید.

❗ درباره‌ی مدارک تحصیلی حوزه، سفارش همیشگی و کنونی اینجانب آن است که مدرک را خود حوزه - و نه مرکزی بیرون از آن - باید به دانش‌آموخته‌ها بدهد. البته میتوان رتبه‌های حوزوی را به جای ۱ و ۲ و ۳ و ۴، نامگذاری‌های شناخته‌شده در مراکز علمی کشور و دنیا قرار داد، مثلاً: کارشناسی، کارشناسی ارشد، کارشناسی تحقیقی (دکتری) و امثال آن.



سخن رادر اینجا به پایان می‌برم و از خداوند متعال عزّت و شوکت روزافزون اسلام و قوّت و استحکام روزافزون امت اسلامی و پیشرفت و سعادت روزافزون ملت ایران و سربلندی و کارآمدی روزافزون حوزه‌های علمیّه و نصرت بردشمنان و بدخواهان و معاندان را مسئلت می‌کنم.

سلام خدا بر حضرت بقیّة الله (ارواحنا فداه و عجل الله فرجه) و درود خالصانه‌ی ما بر ارواح شهیدان و روح مطهّر امام امت باد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

سیدعلی خامنه‌ای

۱۴۰۴/۲/۸



اشخاص	شهرها
پیامبر اعظم ﷺ	اصفهان
حضرت بقیة الله ﷺ	اراک
حضرت معصومه ﷺ	تبریز
امام خمینی ﷺ	سامرا
آخوند خراسانی	غزه
آقاجفی اصفهانی	قم
آیت الله ابوالقاسم کبیر	کوفه
آیت الله میرزا محمد ارباب	گیلان
آیت الله بروجردی	مشهد
آیت الله شیخ عبدالکریم حائری	مکه
حاج سیدصدرالدین صدر	نجف
حاج ملاعلی کفی	یثرب
حضرت حمزه	
رژیم پهلوی	
رضاخان	
سید بهبهانی	ایران
سید طباطبایی	انگلینس
سید ابوالحسن اصفهانی	آمریکا
سید مصطفی کاشانی	شام
شهدای حوزه	عراق
شهید اول	فرانسه
شهید مدرس	فلسطین
شیخ انصاری	
شیخ طوسی	
شیخ مهدی خالصی	
کسروی	
محقق اردبیلی	خلاصة الفصول
محقق حلی	در الفوائد
میرزای شیرازی	رسائل
میرزای نائینی	فصول
	قوانین
	کفایه
	کتابها

هنر بزرگ تشکیل حوزه‌ی
علیه سنی پرورشگاه علم و دین و دین
با همدی نظر افتاد و تدبیر بایش فقط
از شخصیت سرمدی چون
آیه الله العظمی شیخ عبدالحکیم هاشمی عینی
مقام رفیع اکابر بر می آمد.

موسسه پژوهشی خرمی



دفتر انتشارات و نشریات آیت الله العظمی خرمی

 KHAMENEI.IR